



امام زمان (عج)

گزیده‌ای از آثار و سیره امام خمینی (س) درباره امام زمان (عج)





گزیده‌ای از آثار و سیره امام خمینی (س)

امام زمان (عج)

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ .
گزیده‌ای از آثار و سیره امام خمینی (س): امام زمان (عج) / گردآورنده ف. مصباحی. -
تهران : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) ، مؤسسه چاپ و نشر عروج ،
۱۳۸۳ . ۳۴ ص.

ISBN: 964 - 335 - 704 - x

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: به صورت زیرنویس.

۱. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -
نظریه درباره امام زمان (عج). ۲. محمدبن حسن ، امام دوازدهم (عج) ، ۲۵۵ ق - .
۳. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -
دوستان و آشنایان - - خاطرات. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
مؤسسه چاپ و نشر عروج . ب. مصباحی ، ف ، گردآورنده . ج. عنوان.

۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲

گ ۴ ۷۸۳ الف / ۱۵۷۴/۵ DSR

م ۸۳ - ۲۱۹۷۵

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۱۸۷۹



مؤسسه چاپ و نشر عروج

□ گزیده‌ای از آثار و سیره امام خمینی (س) : امام زمان (عج)

○ تهیه و تنظیم : ف. مصباحی

○ ناشر : مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

○ چاپ دوم : ۱۳۸۳ / ۵۰۰۰ نسخه

○ قیمت : ۲۰۰ تومان

خیابان انقلاب بین فروردین و فخر رازی، فروشگاه مرکزی تلفن: ۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۴۰۰۹۱۵

خیابان انقلاب تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱ تلفن: ۶۷۰۱۲۹۷

خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین خیابان شهدای ژندارمیری، فروشگاه شماره ۲ تلفن: ۶۹۵۵۷۳۷

حرم مطهر حضرت امام خمینی (س) ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳ تلفن: ۵۲۰۳۸۰۱

کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

مراکز پخش

نشانی الکترونیکی : @imam-khomeini.org

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف.....	مقدمه
۱.....	بیانات و مکتوبات
۳.....	اوصاف و خصوصیات امام عصر(عج)
۷.....	انتظار فرج
۱۶.....	نظارت بر اعمال شیعیان در عصر غیبت
۱۹.....	برداشتهای غلط از انتظار فرج
۲۹.....	خاطرات

مقدمه

حضرت صاحب زمان، مشکوة انوار الهی
مالک کون و مکان، مرآت ذات لامکانی
مظهر قدرت، ولی عصر، سلطان دو عالم
قائم آل محمد، مهدی آخر زمانی
دیوان امام؛ ص ۲۶۵

انسان، جلوه‌ای از ظهور حق و دارای یک حقیقت است. روح و جسم او مراتب مختلف این حقیقتند. انبیای الهی - وارثان برحق خدا بر روی زمین - ظهور کردند تا انسان را به سرمنزل مقصود راهنمایی نمایند لکن مقاومت و مخالفت نااهلان به آنان مجال وصول به کمال موفقیت نداد. و گرفتاریها، مشکلات و معضلات انسان امروز نیز علی‌رغم تجهیز به علوم، فنون و تکنولوژی مدرن، ناشی از دور افتادن او از مکتب انبیاست. استمرار اهداف انبیا، فقط توسط مصلحان و انسانهای کاملی امکان‌پذیر است که بر حقایق عالم در ظاهر و باطن، آگاه و مظهر کامل اسما و صفات حق تعالی در عالم ممکنند؛ و به این لحاظ در مکتب تشیع،

امامت پس از نبوت و انتظار فرج آخرین امام معصوم معنا پیدا می‌کند. نگرش امام نسبت به بعثت انبیا و ولایت اولیای معصوم، در اندیشه و عمل، به مسلمین و دین اسلام جان تازه‌ای بخشید. او تشیع را حقیقت اسلام و برافراشتن بیرق عدالت و مقابله با بتهای زور و تزویر و ستم را شایسته منتظران امام عصر می‌پنداشت، و انقلاب اسلامی ایران نتیجه این تفکر است.

ای حضرت صاحب زمان، ای پادشاه انس و جن
 لطفی نما بر شیعیان، تأیید کن دین مبین
 توفیق تحصیل عطا فرما و زهد بی‌ریا
 تاگردم از لطف خدا از عالمین عاملین
 دیوان امام؛ ص ۲۶۲

واحد خواهران

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

بیانات و مکتوبات

اوصاف و خصوصیات امام عصر (عج)

ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابیطالب گرفته تا منجی بشر، حضرت مهدی صاحب زمان - علیهم آلف التحیات و السّلام - که به قدرت خداوند قادر زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۳۹۶

* * *

همان طوری که رسول اکرم به حسب واقع حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی همان طور حاکم بر جمیع موجودات است؛ آن خاتم رسل است و این خاتم ولایت، آن خاتم ولایت کلی بالاصالة است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است.

صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۲۴۹

* * *

امام امت و عصاره خلقت، وارث نبوت، ولی عصر - عجل الله تعالی

فرجه الشریف - [است].

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۲۴

* * *

من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است، نمی توانم بگویم که شخص اول است برای اینکه دومی در کار نیست، ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است، آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر.

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۴۸۲

* * *

حضرت خاتم الاوصیاء و مفخر الاولیاء حجت بن الحسن العسکری - ارواحنا لمقدمه الفداء - ... بزرگ شخصیتی که برپاکننده عدالتی است که بعثت انبیا - علیهم السّلام - برای آن بود... ابرمردی که جهان را از شرّ ستمگران و دغلبازان تطهیر می نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن را فرا گرفته، پر از عدل و داد می نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می نماید.

چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازیها و فتنه انگیزیها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حيله گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بیض زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخهای ستم و کنگره های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا - علیهم صلوات الله - و حامیان اولیا - علیهم السّلام - بوده، تحقق یابد و

برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلمهای ننگین و زبانهای نفاق افکن شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتوافکن گردد و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا گرایند.

صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۴۷۲

* * *

قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می فهماند، من جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود، در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود - سلام الله علیه - که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر.

... در زمان ظهور مهدی موعود - سلام الله علیه - که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد، و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن با اینکه برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیا آرزو داشتند؛ لکن موانع اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند، و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود.

... وقتی که ایشان ظهور کنند ان شاء الله (خداوند تعجیل کند در ظهور او) تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجیها را راست می کند

«يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِثَتْ جَوْرًا»^(۱) همچو نیست که این عدالت همانکه ماها از آن می فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِثَتْ جَوْرًا» الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاقها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می کند انحرافش معلوم است، و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجیها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِثَتْ جَوْرًا».

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۴۸۱

* * *

ما امید این را داریم که یک قدرت اسلامی، قدرت عدل، قدرتی که در پناه عدل باشد، نه در پناه سرنیزه... یک همچو قدرتی پیدا بشود و تمام بشر باهم باشند. به ما این وعده را داده اند که در یک وقتی که امام زمان - سلام الله علیه - ظهور کند - این - اختلافات از بین می رود و همه برادروار با هم هستند، دیگر زورمند و زورکشی در کار نیست.

صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۲۹۸

۱. «زمین را پر از عدل می کند، پس از آنکه از ستم و ظلم لبریز شده بود»؛ اصول کافی؛ ج ۱، ص ۵۲۵، «کتاب الحجّة»، «باب ما جاء فی اثنی عشر و النص علیهم»، ح ۱ (با این مضمون: يَمَلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِثَتْ جَوْرًا).

ببینید تحت مراقبت هستید، نامه اعمال ما می‌رود پیش امام زمان - سلام الله علیه - هفته‌ای دو دفعه (به حسب روایت)...^(۱) نکند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان - سلام الله علیه - یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان - سلام الله علیه - باشد.

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۳۹۱

* * *

ابراهیم خلیل در اوّل زمان و حبیب خدا و فرزند عزیزش، مهدی موعود - روحی فداه - در آخر زمان از کعبه ندای توحید سر دادند و می‌دهند... مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید می‌خواند.

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۸۷

* * *

انتظار فرج

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود.

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۳۷۴

۱. عن النبی (ص): «تعرض اعمال الناس فی کل جمعة مرتین یوم الاثنین و یوم الخمیس...»؛ بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۲۳۶، ح ۳۷، باب ۱۵.

ان شاء الله اسلام را به آنطور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و در دنیا، دنیای اسلام باشد و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود، و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر - ارواحنا له الفداء.

صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۲۶۲

* * *

دست عنایت خدای تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده است که یکی از علائم ظهور بقیة الله - ارواحنا فداء - است.

صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۱۳۰

* * *

انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجّت - ارواحنا فداء - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۳۲۷

* * *

امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود.

صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۶۲

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی (ص) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل، و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.

صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۳۴۵

* * *

امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان به پاخیزند و داد خود را از مستکبران بگیرند و مقدمات فرج آل محمد - صلی الله علیه و آله - را فراهم نمایند.

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۴۶۲

* * *

ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که اینقدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد، ما تکلیف داریم آقا! اینطور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم، پس دیگر بنشینیم در خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عجل علی فرجه» عجل با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او؛ و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید، ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان.

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۲۶۹

همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشانید و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۴۴۸

* * *

امیدواریم که جوانان ما... برسند به جایی که حکومت اسلامی توسعه پیدا کند در همه جا و عدل اسلامی در همه جا توسعه پیدا بکند؛ و عدل اسلامی این است که همه حکومتهایی که در دنیا هستند، روی موازین اسلامی حکومت بکنند؛ و ما امیدواریم که این امر بتدریج مهیا بشود برای آن وقتی که آن عدل بزرگ اسلامی در روی زمین توسعه پیدا می کند و حکومتها، حکومت عدل می شوند.

صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۲۰۶

* * *

امیدوارم که ما همه جزء هیأت قائمیه باشیم و همه به آن وظایفی که اسلام، قرآن تحت لوای حضرت صاحب - سلام الله علیه - برای ما تعیین فرموده اند، عمل کنیم و صورتها را محتوای واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی.

شاید این وصفی که برای حضرت صاحب - سلام الله علیه - ذکر شده است، دنبال همین آیه شریفه که می فرماید: قُلْ إِنَّمَا أُعِظُكُمْ بِوَأَحِدَةٍ أَنْ

تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ قِيَامِ مَنْ قَامَ. (۱) دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم، قیام واحد که بالاترین قیام، همان قیام آن شخص واحد است و همه قیامها باید دنبال آن قیام باشد و «قیام لله» باشد.

خدای تبارک و تعالی می فرماید که: «من فقط یک موعظه دارم به شما قل انما اعظکم بواحد» به امت بگو که فقط من یک موعظه دارم به شما و آن موعظه این است که قیام کنید و قیام لله باشد، قیام لله کنید، البته آن حضرت قیام لله می فرمایند و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست برای دیگران نیست؛ لکن شیعه‌های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند لله، برای خدا.

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۸

* * *

من امیدوارم که ان شاءالله برسد روزی که آن وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. (۲) این مطلب وعده خداست و تخلف ندارد، منتها آیا ما درک کنیم یا نکنیم، آن به دست خداست. ممکن است در یک برهه کمی وسایل فراهم بشود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. این چیزی که ما در این وقت، در این عصر وظیفه داریم، این مهم است. همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را؛ لکن با انتظار تنها نمی شود؛ بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه

۱. سبأ / ۴۶.

۲. قصص / ۵.

فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم. کسی که برای رضای خدا ان شاء الله مشغول انجام وظیفه است، توقع این را نداشته باشد که مورد قبول همه است، هیچ امری مورد قبول همه نیست.

صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۲۴۶

* * *

تمام سپاه پاسداران و تمام دادگاهها و تمام کمیته‌ها و تمام قشرهایی که می‌خواهند خدمت کنند به این کشور، توجه داشته باشند که همه اینها خدمتگزار اسلامند. الآن جمهوری اسلامی است. و شماها از جنود اسلامی هستید. لشکر اسلام هستید. شما کارمند اسلام و کارمند امام زمان هستید. توجه کنید که نبادا یک وقتی یک خطایی بکنید برخلاف مسیر اسلام. برخلاف مسیر جمهوری اسلامی قدمی بردارید. این یک وظیفه خطیری است برای همه. برای ما و برای شما.

صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۲۴۹

* * *

شما جنود خدا هستید و پیروزید. آنهایی که در ابتدا، حرکت خودشان را شروع کردند، با طمأنینه قلبی شروع کردند و از هیچ نترسیدند... شما ایمان دارید، قلبهایتان با مبدأ نور و قدرت پیوند خورده است، پیوندی ناگسستنی، ... شما مورد نظر امام زمان هستید، و از آنجا که ایمان و قدرت و امام زمان را دارید، همه چیز دارید. پشتوانه شما الهی است، باید این پشتوانه را حفظ کنید، و وقتی ما چنین تکیه گاهی داریم، از هیچ چیز

نمی‌ترسیم.

صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۱۷۲

* * *

آن کاری که لشکر امام زمان باید بکند، با آن کاری که لشکر طاغوت می‌کرد فرق دارد، همان طوری که خود امام زمان با طاغوت فرق داشت. آن حکومت جور بود و این حکومت عدل، آن حکومت طاغوت بود و این حکومت خدا.

صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۴۶۷

* * *

عنایت شما فرماندارها یا خدمتگزاران به خلق، به این طبقه ضعیف بیشتر باشد تا آن طبقه بالا. مبادا یکوقتی یک نفر آدمی که مثلاً متمکن است و چیزدار است با یک نفر آدم ضعیف، او را با آنکه آن یکی باید جلو باشد او را جلو بیندازید. من نمی‌گویم آن یکی را جلو بیندازید؛ می‌گویم عدالت باید باشد. البته در یک فرمانداری که به آن احتیاج دارند نمی‌تواند همه را یکدفعه بپذیرد؛ لکن روی عدالت باشد که آن آدمی که ضعیف است هم بپذیرد؛ آن یکی هم که غیر ضعیف است او را هم بپذیرد... وقتی نامه‌های ما را بردند پیش امام زمان - سلام الله علیه - که در روایات^(۱) است که هر هفته می‌برند، هفته‌ای دو دفعه. وقتی بردند، اعمال ما جوری باشد که نمایش از این بدهد که ما تابعیم؛ ما آنطور نیست که خود سر

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۶، ص ۱۱۳، «کتاب جهاد»، ح ۱۹؛ جمال الأسبوع؛ ص ۱۷۲.

بخواهیم یک کاری را انجام بدهیم.

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۱۲۳

* * *

ابداً گروه گرایی نکنید. شما همه لشکر امام زمان هستید و همه گروه واحد، و این گروه واحد جُند خدا [است و] لشکر امام زمان.

صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۱۴۴

* * *

روحانیون که نماینده رسول خدا هستند در بین مردم، اگر خدای نخواسته روحانیونی که مدعی این هستند که نماینده امام زمان الآن هستند در بین مردم، اگر خدای نخواسته، از یکیشان یک چیزی صادر بشود که برخلاف اسلام باشد، اینطور نیست که فقط خودش را از بین برده، این حیثیت روحانیت را لکه دار کرده. این یک وظیفه بزرگی به عهده اش هست. روحانی همچو نیست که اگر یک خلافی بکند، بگویند که زید این خلاف را کرده. خلاف روحانی، به اندازه ای که سعه شعاع نفوذش هست، خطایش خطای بزرگ هست. خطایی است که عفوش در درگاه خدا بسیار مشکل است. برای اینکه این نماینده، یعنی مدعی نمایندگی از طرف امام زمان - سلام الله علیه - و اسلام دارد. نماینده امام زمان اگر خدای نخواسته یک قدمی کج بگذارد این اسباب این می شود که مردم به روحانیت بدبین بشوند. بدبین شدن به روحانیت و شکست روحانیت، شکست اسلام است. آن که حفظ کرده است تا حالا اسلام را، این طبقه بودند. و اگر در این طبقه شخصی، اشخاصی پیدا بشوند که برخلاف مصالح اسلام خدای نخواسته عمل بکنند،

جرمی است که از آدمکشی بدتر است. جرمی است که از همه معاصی بدتر. برای اینکه جرم صادر می شود از کسی که آبروی یک روحانیت را از بین می برد. مردم را؛ آنهایی که غافل هستند از اسلام، گاهی وقتها برمی گرداند. اینطور نیست که وارد شده است که - چنانچه عالم فاسد بشود عالم فاسد می شود. برای اینکه عالم - به حسب ظاهر - نماینده امام است. و اگر خدای نخواستہ یک فسادی در او پیدا بشود، فاسد بشود، قشرهای ملت را فاسد می کند. گاهی عالم را فاسد می کند. و از آن طرف اگر صالح باشد، صالح می کند قشرهای ملت را. صالح می کند عالم را.

صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۲۵۰

شما نشانه خدا هستید؛ نشانه اسلام ان شاء الله خواهید بود؛ و کسی که نشانه خدا و نشانه اسلام است، باید همه حرکاتش، همه سکناش، همه اعمالش، همه گفتار و کردارش الهی باشد؛ روی موازین الهی باشد. مردم به روحانیون نظر دارند، توجه دارند، توجه به پیغمبر اکرم، که اینها نمایندگان پیغمبر اکرم و امام زمان - سلام الله علیه - هستند. اگر خدای نخواستہ از اینهایی که نماینده هستند از طرف اولیای خدا، از طرف رسول خدا، اینها اگر یکوقت یک انحرافی از آنها پیدا بشود، شاید اشخاص غرضمند این را به پای اسلام حساب کنند؛ خیال کنند تعلیمات اسلامی اینطور است. ولهذا راه، راه پرخطری است، و راه شریفی. جدیت کنید که از این راه پر خطر خوب عبور کنید، که این صراط است. صراط مستقیم الهی از اینجا شروع می شود.

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۲۶۱

نظارت بر اعمال شیعیان در عصر غیبت

نامه اعمال ما می‌رود پیش امام زمان - سلام‌الله‌علیه - هفته‌ای دو دفعه، به حسب روایت. من می‌ترسم که مایی که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم، شیعه این بزرگوار هستیم، اگر نامه اعمال را ببیند - و می‌بیند، تحت مراقبت خداست - نعوذبالله شرمنده بشود. شما اگر یک فرزندتان خلاف بکند، شما شرمنده‌اید. اگر این نوکر شما خلاف بکند، شما شرمنده‌اید. در جامعه آدم شرمنده می‌شود که پسرش این کار را کرده یا نوکرش این کار را کرده، یا اتباعش این کار را کرده. من خوف این را دارم که کاری ما بکنیم که امام زمان - سلام‌الله‌علیه - پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه‌های تو هستند دارند این کار را می‌کنند! نکنید. یک وقت نکند، یک وقت خدای نخواسته یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشته‌هایی که ملائکه‌الله که مراقب ما هستند، «رقیب»^(۱) هستند - هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می‌شود. ذره‌هایی که بر قلبهای شما می‌گذرد رقیب دارد. چشم ما رقیب دارد. گوش ما رقیب دارد. زبان ما رقیب دارد. قلب ما رقیب دارد. کسانی که مراقبت می‌کنند اینها را - نکند که خدای نخواسته از من و شما و سایر دوستان ما و سایر دوستان امام زمان - سلام‌الله‌علیه - یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان - سلام‌الله‌علیه - بشود. مراقبت کنید از خودتان. پاسداری کنید از خودتان. اگر بخواهید این پاسداری شما در دفتری که پاسداران صدر اسلام در او ثبت است در آن دفاتر ثبت بشود، همان طور

۱. اشاره به آیه ۱۸ سوره ق.

که آنها پاسداری می‌کردند از خودشان، شما هم از خودتان پاسداری کنید، تا ثبت بشود آنجا.

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۳۹۱

* * *

در روایات هم هست که اینها هفته‌ای دو مرتبه اعمال عرضه می‌شود بر ولیّ امر؛ بر امام زمان - سلام‌الله علیه. توجه داشته باشید که در کارهایتان جوری نباشد که وقتی عرضه شد بر امام زمان - سلام‌الله علیه - خدای نخواستہ آزرده بشود، و پیش ملائکة الله یک قدری سرافکنده بشود، که اینها شیعه‌های من هستند، اینها دوستان منند و برخلاف مقاصد خدا عمل کردند. رئیس یک قوم اگر قومش خلاف بکنند، آن رئیس منفعل می‌شود... در هر جا هستید از خودتان... پاسداری کنید تا به پیروزی بر نفس خودتان، و پیروزی بر همه شیاطین نایل شوید.

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۳۵۸

* * *

خلاف ما برای امام زمان سرشکستگی دارد، دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه‌های او (خوب، ما شیعه او هستیم) شیعه او دارد این کار را می‌کند، این ملائکة الله که بردند پیش او دید، سرشکسته می‌شود امام زمان.

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۴۲۳

* * *

قبل از اینکه این نامه اعمال ما برای پیشگاه خدا و قبل از آن برای پیشگاه امام زمان - سلام الله علیه - برسد، خودمان باید نظر کنیم به این نامه اعمالمان، یعنی صفحه قلبمان، که همه چیز درش نقش می شود همان صورت نامه اعمال است. خودمان بفهمیم چکاره هستیم. آیا ما در این کاری که به ما محول است، با صداقت، صمیمیت، برای صلاح ملت و برای صلاح اسلام کار می کنیم؟ چه من که یک طلبه هستم و کارهای طلبگی می کنم و شما... همه باید خودمان تشخیص بدهیم چه می کنیم.

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۴۴۱

* * *

این ادعایی که می کنیم که ما مُسْلِم هستیم و ما طرفدار اسلام هستیم و طرفدار رژیم اسلامی هستیم، باید این قدم را هم برداریم که همش این قدم است که محتوای یک مملکتی اسلامی باشد. هر جایش برویم در مملکت اسلامی رفتیم، نه اینکه وقتی رفتیم بازار، ببینیم بازار همان بازار و همان رباخوری و همان اجحاف و همان گرانفروشی بیجا و همانها، و بعد هم فریاد می کند که اسلام! بعد هم چراغانی می کنند! خیال می کنند با این می شود امام زمان را بازی داد! نمی شود. تا یک نوری در قلب ما پیدا نشود فایده ندارد. هر چه هم از این اعمال بکنیم، اعمال است. از این اعمال همه می کنند، باید این اعمال بشود؛ نه اینکه اینها نشود، این اعمال بشود، پیوند با قلب داشته باشد، با قلبمان یک کاری کنیم که این عمل را قلب ما آورده باشد.

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۱۸

* * *

برداشتهای غلط از انتظار فرج

برداشتهایی که از انتظار فرج شده است؛ بعضی اش را من عرض می‌کنم. بعضیها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان - سلام الله علیه - را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب - سلام الله علیه - بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند. یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکالیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود. یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن زد به گناهها،

دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت -سلام الله علیه- تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است].

حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی، خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چی می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند؟ حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند، می‌خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟ به حسب رأی این جمعیت، که بعضیشان بازیگرند و بعضیشان نادان، این است که ما باید بنشینیم، دعا کنیم به...

امریکا ... و ... اذنباشان ... و امثال اینها تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند. بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند؛ همان کاری که ما می‌کنیم و ما دعا می‌کنیم که ظلم و جور باشد! حضرت می‌خواهند همین را برش دارند. ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید.

ما تکلیف داریم که، اینی که می‌گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن طور فساد پر می‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنی که می‌گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هرج و مرج بشود؛ همه هم را بکشند؛ همه به هم ظلم بکنند برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر کاری می‌خواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد!

اما مسئله این است که دست سیاست در کار بوده؛ همان طوری که تزریق کرده بودند به ملتها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت‌های دنیا که سیاست کار شماها نیست؛ بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خوب، آنها از خدا می‌خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و

به دست ظلمه، دست امریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذتاب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمانها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد، این یک حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند: شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است. اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. اینها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند. حکومت نبودن، یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دوستان تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست. و این نفهمها نمی‌دانند چی می‌گویند، هر حکومتی باشد حکومت [باطل] است! ... اینها یک چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود، ابلهانه بود، لکن آنها می‌فهمند دارند چی می‌کنند. آنها می‌خواهند ما را کنار بزنند.

بله، البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم [پر] بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم

است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است]، تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی توانیم بکنیم؛ چون نمی توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه - در هر صورت، این مصیبت‌هایی که هست که به مسلمانها وارد شده است و سیاستهای خارجی دامن بهش زده‌اند، برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین [است]. و باورشان هم آمده است خیلیها. شاید الآن هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد، زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت. و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب، باطل است؛ یعنی، هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش کند! ما درستش می‌کنیم تا حضرت بیاید.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۱۳

* * *

تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد، ما معصیت کنیم که او بیاید؟

صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۵۳۴

* * *

نگویید بگذار تا امام زمان (ع) بیاید. شما نماز را هیچ وقت می‌گذارید تا وقتی امام زمان (ع) آمد بخوانید؟ حفظ اسلام واجبتر از نماز است. منطق

حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت: باید معاصی را رواج داد تا امام زمان (ع) بیاید! اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی‌کند!

ولایت فقیه؛ ص ۵۸

* * *

اگر نظر شماها مثل نظر بعض عامیهای منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فراگیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فإنا لله و إنا الیه راجعون.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۴۴۷

* * *

اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا آخر ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند. لابد شما هم می‌گویید که باید ما یک دولت کافر ظالمی پیش بیاوریم تا ظلم زیاد بشود، تا حضرت ظهور کند! خوب، یک طریقه‌ای است، شما خیال می‌کنید نیست همچو افرادی، یک همچو افرادی هستند که معنا ندارد حکومت باشد، یک حکومت عدل اصلاً نباید باشد، باید جلوی او را گرفت تا حضرت تشریف بیاورند.

صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۱۳۹

* * *

این نویسنده جاهل^(۱) باز در کتابچه پوسیده حرفهایی نسنجیده به دین و دینداران نسبت می‌دهد و از آن نتیجه‌های شگفت‌آور می‌گیرد. می‌گوید: دین امروز ما می‌گوید هر دولتی که پیش از قیام قائم برپا شود، باطل است. «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ».

... این نویسنده مطالب را درهم و برهم کرده، و روی هم ریخته [و] بیخردانه به اعتراض برخاسته. این احادیث هیچ مربوط به تشکیل حکومت خدایی عادلانه که هر خردمند لازم می‌داند نیست؛ بلکه ... دو احتمال است:

یکی، آنکه راجع به خبرهای ظهور ولی عصر باشد و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهد بگوید علمهایی که به عنوان «امامت» قبل از قیام قائم برپا می‌شود، باطل است چنانچه در ضمن همین روایات علامتهای ظهور هم ذکر شده است؛ و احتمال دیگر آنکه از قبیل پیشگویی باشد از این حکومتهایی که در جهان تشکیل می‌شود تا زمان ظهور، که هیچ کدام به وظیفه خود عمل نمی‌کنند و همین طور هم تاکنون بوده، شما چه حکومتی در جهان از بعد از حکومت علی بن ابیطالب - علیه السلام - سراغ دارید که حکومت عادلانه باشد و سلطانش طاغی و برخلاف حق نباشد؟

اکنون اگر کسی تکذیب کند از وضع یک حکومتی که این حکومتها جائزانه است و کسی هم تا زمان دولت حق نمی‌تواند آنها را اصلاح کند چه ربط دارد به اینکه حکومت عادلانه نباید تشکیل داد؟ بلکه اگر کسی جزئی اطلاع از اخبار ما داشته باشد می‌بیند که همیشه امامان شیعه با

۱. مراد، نویسنده کتاب «اسرار هزار ساله» است.

آنکه حکومت‌های زمان خود را حکومت ظالمانه می‌دانستند و با آنها آنطورها که می‌دانید سلوک می‌کردند در راهنمایی برای حفظ کشور اسلامی و در کمک‌های فکری و عملی کوتاهی نمی‌کردند و در جنگ‌های اسلامی در زمان خلیفه جور باز شیعیان (ع) پیشقدم بودند. جنگ‌های مهم و فتح‌های شایانی که نصیب لشکر اسلام شده، مطلعین می‌گویند و تاریخ نشان می‌دهد که یا به دست شیعیان علی (ع) یا به کمک‌های شایان تقدیر آنها بوده.

شما همه می‌دانید که سلطنت بنی‌امیه در اسلام بدترین و ظالمانه‌ترین سلطنتها بوده، و دشمنی و رفتارشان را با آل پیغمبر و فرزندان علی بن ابیطالب، همه می‌دانید؛ و در میان همه بنی‌هاشم، بدسلوکی و ظلمشان نسبت به علی بن الحسین زین‌العابدین بیشتر و بالاتر بود، به همین سلطنت و حشیانه جائزانه ببینید علی بن الحسین چقدر اظهار علاقه می‌کند.

در کتاب صحیفه سجادیه می‌گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ ثُقُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ، وَ أَسْبِغْ عَطَايَا هُمْ مِنْ جِدَّتِكَ، ... وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَ اخْرُسْ حَوَزَتَهُمْ، وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ، وَ أَلْفِ جَمْعَهُمْ، وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَ وَاثِرْ بَيْنَ مِيرِهِمْ، وَ تَوَخَّذْ بِكِفَايَةِ مَوْتِيهِمْ، وَ اعْضُدَّهُمْ بِالنَّصْرِ، وَ اعْنَهُمْ بِالصَّبْرِ، وَ الطُّفَّ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ.»^(۱) تا

۱. بار خدایا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرزهای مسلمانان را به غلبه و تسلط خود استوار ساز، و نگهدارندگان آن مرزها را به نیروی خویش توانایی ده، و بخشهای ایشان را از توانگری ات فراوان گردان. بار خدایا، بر محمد و آل او درود فرست، و عده و شمارش (جماعت و گروه) ایشان را بسیار فرما، و سلاحها (و ابزار جنگ مانند شمشیر و نیزه و تیر) آنان را تیز و برآ نما، و حدود و اطراف ایشان را نگهداری کن، و دور و برشان را محکم گردان، و گروهشان را پیوند و آشنایی ده، و کارشان را شایسته فرما، و آذوقه‌هاشان را پی در پی

آخر این دعا که قریب هشت صفحه است و در آن برای لشکریان دستورهایی است که شرح آن یک کتابچه می‌خواهد.

کشف اسرار؛ ص ۲۲۵

* * *

اکنون که دوران غیبت امام - علیه السلام - پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آوردند، بتوانیم جلوگیری کنیم، اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند دفاع کنیم.

شرع مقدس هم دستور داده که باید همیشه در برابر اشخاصی که می‌خواهند به شما تجاوز کنند برای دفاع آماده باشید. برای جلوگیری از تعدیّات افراد نسبت به یکدیگر هم، حکومت و دستگاه قضایی و اجرایی لازم است. چون این امور به خودی خود صورت نمی‌گیرد، باید حکومت تشکیل داد....

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دوستان سال بود؟ یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده است؛ ولی تکلیف

پی برسان، و سختی‌هاشان را به تنهایی کارگزاری کن، و ایشان را به یاری کردن و کمک و به شکیبایی همراهی و در مکر و فریب (ایشان به دشمنانشان) دقت نظر عطا فرما (که دشمن مکر و فریبشان را در نیابد، یا آنها را از مکر و فریب دشمنانشان ایمن بدار که زبانی به آنان نرسد). صحیفه سجادیه؛ دعای ۲۷.

حکومتی نداریم؟

معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود، و ما با بی حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می خواهند بکنند؟ و ما اگر کارهای آنها را امضا نکنیم رد نمی کنیم. آیا باید اینطور باشد؟ یا اینکه حکومت لازم است و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (ع) موجود بود برای بعد از غیبت هم قرار داده است.

ولایت فقیه؛ ص ۳۹

* * *

خاطرات

شما دعا کنید

زمان شاه بود که پدرم شهید شد. بعد که رفتیم پیش امام، گفتند: پدرت شهید شده.

یک دفعه دیگر هم که پیش امام رفتیم از ایشان پرسیدم آقا امام زمان کی می آیند؟ امام روی سرم دست کشیده و گفتند: «شما دعا کنید، شما دعا کنید».

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۱، ص ۲۰۳

* * *

در جشن نیمه شعبان حضور یافتند

در مورخه دوشنبه ۱۸/۴/۵۸ ساعت ده شب بود که امام بدون اطلاع قبلی به خیابانهای قم که مردم به مناسبت جشن نیمه شعبان آنها را آذین بسته بودند، آمدند و در شهر گردش کردند. پس از آن در مجلس جشنی که ساکنان خیابان چهارمردان برپا کرده بودند شرکت فرمودند.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۴۰

سعی کن دعای عهد را بخوانی

یکی از چیزهایی که امام در روزهای آخر به من توصیه می‌کردند خواندن دعای عهد بود. ایشان می‌گفتند: «صبحها سعی کن این دعا را بخوانی، چون در سرنوشت دخالت دارد».

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۴۲

* * *

چهل روز دعای عهد می‌خواندند

امام حتی در موقعی که در بیمارستان بستری بودند از انس با کتاب مفاتیح‌الجنان غافل نبودند. پس از رحلت جانگداز ایشان که مفاتیحشان را از بیمارستان به بیت منتقل می‌کردیم متوجه شدیم امام در مفاتیح خود در کنار دعای شریف عهد که آن را یک اربعین می‌خواندند، تاریخ شروع را هشت شوال نوشته‌اند.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۴۳

* * *

مگر حضرت صاحب به من خلاف می‌فرماید؟

یکی از فضیله‌های مشهد... به نقل از یکی از دوستانشان تعریف می‌کردند، در نجف اشرف خدمت امام بودیم، صحبت از ایران به میان آمد، من گفتم: این چه فرمایشهایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می‌فرمایید؟ یک مستأجر را نمی‌شود بیرون کرد، آن وقت شما

می خواهید شاه مملکت را بیرون کنید؟ امام سکوت کردند. من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده اند لذا سختم را تکرار کردم. امام... فرمودند: ... چه می گویی؟ مگر حضرت بقیه الله امام زمان، صلوات الله علیه، به من (نستجیر بالله) خلاف می فرماید؟ شاه باید برود.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۱۵۷

* * *

شاید از طرف امام زمان باشد

روز ۲۲ بهمن که امام فرمان دادند مردم در خیابانها بریزند چون ما مملکت نظامی نداریم. این جریان را به مرحوم آیت الله طالقانی اطلاع دادند، در آنجا من در خدمت ایشان بودم. آیت الله طالقانی از منزلشان به امام در مدرسه علوی تلفن زد و مدت یک ساعت یا نیم ساعت با امام صحبت کردند، ... آیت الله طالقانی مرتب به امام عرض می کنند آقا شما ایران نبودید، این نظام پلید است، به صغیر و کبیر ما رحم نمی کند، شما حکمتان را پس بگیرید. و مرتب شروع کردند از پلیدی و ددمنشی نظام گفتن تا شاید بتوانند موضع امام را تغییر بدهند، تا ایشان این فرمانی را که راجع به ریختن مردم به خیابانها داده اند پس بگیرند. برادران یک مرتبه متوجه شدند آقای طالقانی گوشی را زمین گذاشته و به حالت متأثر رفت و در گوشه اتاق نشست. برادران که این گونه دیدند بعد از لحظاتی خدمت ایشان رفتند ... به مرحوم آیت الله طالقانی اصرار کردند که جریان چه بود؟ ایشان گفتند: هر چه به امام عرض کردم، حرف مرا رد کردند و وقتی دیدند من قانع نمی شوم فرمودند: «آقای طالقانی، شاید این حکم از

طرف امام زمان باشد» این را که از امام شنیدم دست من لرزید و با امام
خدا حافظی کردم چون دیگر قادر نبودم که حتی پاسخ امام را بدهم.

برداشتهایی از سیره امام خمینی؛ ج ۳، ص ۱۵۸

* * *